

# صدرالدین عینی

(۱۸۷۸-۹۹۵۳)

بمناسبت هفتاد و پنجمین سال تولد «صدرالدین عینی» پایه گذار ادبیات شوروی تاجیکی هیئت مدیره انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی شایسته دانست شرح حال و آثار این نویسنده شهیر و شاعر کویسا در دسترس دوستداران علم و ادب گذاشته شود.



در جمهوری تاجیکستان و ازبکستان کسی نیست «صدرالدین عینی» را شناسد و یا آثار علمی تاریخی و ادبی وی را ندیده باشد.  
در سال ۱۳۲۷ شمسی که بمناسبت پانصدمین سال تولد «علیش نورائی»

برای شرکت در جشن فرهنگی ازبکستان دعوت شدم افتخار آشنایی این مرد عزیز الوجود را پیدا نمودم اگر بخواهم از مدارج کمالات صوری و معنوی این رجل فعال در امور اجتماعی مطالبی بگویم بقول معروف مشوی هفتاد من می شود و گذشته از آن با بضاعت مزاجه نمیتوانم از زبان شناسی ماهر، مورخی عالیه مقام، نویسنده ای توانا و شاعری خوش قریحه بطوریکه باید و شاید سخن بگویم.

«صدرالدین عینی» مردی است کوتاه قد دارای موی سفید و ریش کوتاه که در وقت عبور از کوچه و خیابان مورد احترام بسیار و مطابق سنن ملی پس از تخطیت و درود بوی کتفش را میبوسند و مقدمش را گرامی میدارند. اینهمه عزت و حرمت را در اثر خدماتی که در ترقی و توسعه فرهنگ تاجیک ها نموده است برای او قائل شده اند. «صدرالدین عینی» نخستین کسیست که ادبیات شوروی تاجیکستان را بشکل تازه ای که وابستگی با ملت و حیات تاجیک ها دارد در نظم و نثر ایجاد کرده است. آثارش از حیث شکل و قالب ملیست و از حیث مفاد سوسیالیست است.

«صدرالدین عینی» در ۲۷ آوریل ۱۸۷۸ در استان بخارا در بخش «کچ دووان» در محل قشلاقی «سوک تار» که در دره خرمی واقع شده است در خانواده دهقانی با بر صبه وجود گذاشته است. در سن یازده سالگی پدر و مادر خود را بعلت مرض طاعون از دست می دهد و بحکم اجبار برای تهیه قوت لایموت با کارهای سخت و دشوار مواجه می گردد. عجب اینچاست که در این زمان تنها اوزندگی فلاکت بار نداشت عموم دهقانان در اثر ظلم و ستم ستمگران در آتش فقر و بدبختی و بیسوادی میسوختند. با اینحال با تحمل زندگانی سخت و طاقت فرسا بحکم غریزه ذاتی و شوق وافریکه برای تحصیل داشت خود را ببخارا رساند و در یکی از مدارس قدیمی در ضمن استخدام بتحصیل پرداخت. در این مدرسه مطابق معمول فقط معلومات خشک و جامد منهدمی را بشاگردان و طلاب تلقین و تعلیم می نمودند. اما فکر او باز و روشن بود و هرگز نمیتوانست خود را با آموختن این قبیل علوم قانع سازد، او میخواست راه دانش واقعی را بیابد و خود را از سرچشمه علمی سیراب کند که بتواند القباء حیات را بقسمی که شایسته و سزاوار است بهمنوعان خود بفهماند.

دروهله اولی بمطالعه آثار کلاسیک و تألیفات دانشمندان جهانی اشتغال ورزید ولی در عین حال شاهد روزگاری بود که هنوز در میان روحانیون مسلمان بخارا بحث وجدال در سر این بود که آیا مسلمین حق دارند از چراغهای نفتی استفاده کنند و یا برای فرا گرفتن زبان روسی اهتمام بورزند. در چنین دورانی



«صدرالدین» عینی ساعی و کوشا شد راه آزادی را بمردم نشان دهد و چشم هارا باز کند در صورتی که فرمانروایان جبار ملت تاجیک هیچگاه اجازه نمی دادند افکار ترقیخواهان زمان بوسیله زبان روسی کمترین نفوذی کنند و اگر اشخاصی روشن فکر در جامعه برای هدایت افکار قد مردانگی علم می کردند از طرف عمال حکومت مورد تعقیب و زجر و حبس و شکنجه واقع میگشتند.

صدرالدین عینی هم از جمله اشخاصی بود که یگانه مقصد حیاتش تربیت ملت و روشن ساختن اذهان و افکار عامه برای خلاصی از زیر بار ظلم و ستم بود، بدین سبب پیوسته مورد تعقیب قرار میگرفت و برای اینکه بزندان معروف «آب خانه» که وحشتناکترین زندان بخارا بود نیفتد دائم منزل عوض می کرد.

در خلال این احوال یعنی در اواخر قرن نوزدهم میلادی واقعه الحاق آسیای میانه بروسیه رخ داد و روابط دوستانه بین زحمتکشانش روسیه و آسیای میانه بوجود آمد. انتشار تألیفات و مطبوعات مارکیستی - لنینی و انقلاب سال ۱۹۰۵ موجبات سرعت بیداری و فهم و ادراک طبقاتی رافراهم ساخت و در شهر های تاشکند سمرقند بخارا خجند (لنین آباد کنونی) و غیره تمدن و فرهنگ پیشرو ملت عظیم روس روتوسعه و نفوذ گذاشت. در این سامان راه آهن احداث شد و رشد صنایع آغاز گردید. تمام این ترقیات مدنی و فرهنگی در خلاقیات طبع و ذوق و قریحه عینی جوان تأثیری بسزا بخشید بطوریکه در نخستین سالهای قرن بیستم در ضمن اشعاری که میسرود بقوانین ظالمانه و قواعد غیر منصفانه و جابرانه امیر بخارا که مورد حمایت دولت تزاری بود زبان باعتراض میگشود.

در اظهار عقیده و بیدار ساختن مردم آنقدر پافشاری کرد تا مکافات خوش فکری و آزادمنشی خود را در سال ۱۹۱۶ هنگامی که در بخارا مجدداً مشغول تدریس گشته بود دید. دستگیر و زندانی شد و در همین زندان شکنجه و عذابی که برادرش میدادند بچشم دید و عاقبت الامر شاهد اعدام برادرش شد. در شکنجه و آزار خود عینی هم عقلت نکردند تنها عنایت و محبتی که در حقش مبنول داشتند این بود که با آهن و آتش داغش نکردند و فقط با ضربه شلاق بدنش رامیجروح ساختند.

سال ۱۹۱۷ در رسید امیر بخارا بدست سر بازان انقلابی و ملت مغرول شد زندانی ها زندان را ترك گفتند عینی جوان هم آزاد شد. در سال ۱۹۱۸ چون حکومت شوروی در سمرقند استوار و پیروز گشته بود از بخارا بجاناب سمرقند شتافت و در یکی از مدارس ملی شوروی مشغول تدریس شد و بدون ترس تمام

قوای خود را وقف ملت خود کرد و در برقراری اساس دولت تاجیکستان شرکت نمود و بنا بمیل و خواسته مردم عضو دولت جمهوری ملی بخارا گردید. و پس از آنکه تاجیکستان جمهوری هفتم اتحاد جماهیر شوروی بشمار آمد نامش در زمره اعضای دولت ثبت رسید و در سال ۱۹۳۱ بیاس خدمات شایسته خود مفتخر به دریافت نشان پرچم سرخ شد.

در سالهای حکومت شوروی استعداد و ذوق فطری عینی در واقع چون گل باشکوهی شکفته شد. در روزهای اول با اشعار خود کارگران را ترغیب می کرد تا داد خود را از زورگویان و قلدران بگیرند و در عین حال مدافع حقیقی میهن باشند.

در سال ۱۹۲۰ مقاله ای راجع بتاریخ امرای بخارا منتشر ساخت و سپس داستانی موسوم به «دژخیمان بخارا» نوشت و منتخباتی از آثار خود بچاپ رساند که آنرا «نونهای از ادبیات تاجیک» نام داد.

«صدرالدین عینی» نویسنده ایست زبر دست، در آثار خود از زبان ساده و فرهنگ توده استفاده فراوان کرده و جملات جذاب و شیرینی بوجود آورده که بی اختیار خواننده راهم جاهره خود میبرد. حلاوت و شیرینی کلامش مخصوصاً وقتی بیشتر می شود که با احساسات درونی و باطنیش سرو کاری پیدا میکند. در نوشتجات عینی قهرمانان اصلی فقط ملت و سرگذشت آنست زیرا هنگام طفولیت بعلمت از دست دادن پدر و مادر، مزه تلخ نان صدقه را چشیده و برای گرم کردن خود در هوای سرد زمستان دست بآتش دیگران دراز کرده است و شخصاً تمام وضع وحشت افزای یوغ و ستم بهره کشان لجام گسیخته را متحمل شده است. عینی پس از انقلاب کبیرا کتبر که مردی کامل و عالم در تمدن و فرهنگ باستانی خود شده بود تمام نیروی خود را صرف ساختمان و پایه گذاری تمدن و فرهنگ جدید نمود و از مکتب نویسنده توانا و عالی مقام شوروی «ماکسیم گورکی» درسها آموخت و در راه فرهنگ سوسیالیستی گامهای بلند برداشت. خود «صدرالدین عینی» می گوید من بیش از اندازه مدیون آثار نویسنده بزرگ روسی «ماکسیم گورکی» هستم.

«صدرالدین عینی» را تنها تاجیک ها پدر ادبیات خود نمیدانند دوستداران عینی در ازبکستان هم افزون از شمارند. هواخواهی از بکها از این جهت است که بعضی از آثار او نخست بزبان ازبک انتشار یافته و بعد بزبان تاجیک بچاپ رسیده است. پهلوانان داستانهای عینی فقط تاجیک ها نیستند بلکه در نوشتجات خود بزندگی دهقانان ازبکستان ابراز علاقه نموده و حقایقی را آشکار ساخته است که تأثیر عمیق آن در پیشگاه ملت ازبک برای همیشه باقی است و از همین جهت است که اتحادیه نویسندگان ازبک وی را بسمت عضو افتخاری



فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان انتخاب نموده اند و تاریخ ادبیات خود را بدون اشاره بشخصیت عینی ناقص میدانند .

### آثار صدرالدین عینی

برای شناسائی و معرفت بحال دانشمندان، علماء، نویسندگان، تنهاییان سرگذشت و شرح حال کافی نیست بلکه باید برای آشنائی با سلوب و افکار جدید بزرگان و نوابغ ادب ملل مترقی نوشتجات و آثارشان را مورد مطالعه دقیق قرار داد و بوسیله نقل و ترجمه موجبات ترقی و پیشرفت علوم و افکار را که پایه و مایه اصلی تمدن در هر دوری از ادوار بین ملل بوده است فراهم ساخت . اینک از نظر اینکه دوستان علم و ادب از نخستین نویسندگان ره ایست ادبیات شوروی تاجیکی که بالاستحقاق ب لقب نویسنده شهیر تاجیکستان ملقب گشته اطلاع بیشتری بدست آورند در کمال اختصار راجع بآثارش بیان مطلب می شود .

«صدرالدین عینی» در سرگذشتی که بنام آدینه برشته تحریر در آورده و در واقع شمه ای از حیات و زندگانی خود اوست ضمن تشریح مسائل اجتماعی حس حقیقی انقلاب را در یکدهکده کوهستانی و ساکنین آن کشف نموده و با هنرمندی و مهارت زیاد ماهیت طبقاتی حکومت امیر بخارا و غارتگری دهقانان تاجیک را بوسیله ثروتمندان ظالم و دروغگوا فشا ساخته است . در سال ۱۹۳۱ این داستان در شهر خارکف بزبان او کرایینی نیز انتشار یافته و گذشته از اینکه بزبانهای روسی و ازبکی در دسترس علاقه مندان گذاشته شده است بوجه اختصار بزبانهای انگلیسی فرانسه آلمانی ترجمه و طبع شده است .

در کتابی که بنام «یتیم» موسوم ساخته و موضوع آنرا از زندگانی شوروی گرفته است و پهلوانان داستانش از ملل مختلف جماهیر شوروی میباشند نشان میدهد که چگونه بواسطه محبت و صمیمیتی که نسبت بیکدیگر دارند برای دفاع از میهن بزرگ سوسیالیستی خود دست اتحاد و اتفاق داده اند و صمیمانه جانبازی می کنند .

عینی در جنگ گذشته که با قلم خود بمبارزه بر خاسته بود در این باره چنین نوشته است: همه مللی که در کشور ما ساکن میباشند دارای حقوق مساویند آزادانه زندگی میکنند، در کمال آسودگی اطفال خود را میپرورانند، مراقب تحصیلاتشان هستند، در مواقع سخت حیاتی از همه گونه کمکهای مادی و معنوی استفاده میبرند و در مقابل همه چیز خود را برای میهن فدا میکنند و دست بدست ملت بزرگ روس، او کراین و بلوروسها در راه ترقی و تعالی پیش میروند و هر وجب از خاک میهن را با جان حفظ میکنند .

در این کتاب نویسنده عده ای از دختران و پسران جوان شوروی را از مد نظر خواننده میگذراند که با سری پر شور و دلی پر از غرور برای ظفرو غلبه بردشمن بیکدیگر سبقت میگیرند و با کمال شجاعت و شهامت جبهه جنگ و پشت جبهه رامستحکم میسازند .

صحنه هائی که عینی در داستان بنام «غلامان» راجع بزندگانی مردم ساده تاجیکستان قبل از انقلاب مرسم ساخته از حیث حقیقت خشن تاریخی خود بی نظیر است .

در عین اینکه وضع و سر نوشت رقت بار و فجع ملت خود را نشان میدهد ، استقامت روحی مردمی که تمدن و فرهنگ کهن خود را مانند شعله خاموش نشدنی حفظ میکنند مجسم میسازد .

«صدرالدین عینی» در سیمین سال اشتغال ادبی خود گفته است: آنچه که در روش نویسندگیم بر جسته است مدیون انقلاب کبیر اکتبر هستم . هنگام انقلاب چهل سال داشتم و در آن سن در حلقه شاگردان در آمدم انقلاب اکتبر مرا پذیرفت و جوانی را دوباره بعن بخشید . بنا بر این شهرت کامل آثاری که از سال ۱۹۳۰ به بعد از خود بیارگار باقی گذاشته بی سبب نیست زیرا در اثر بزرگ خود «دخونده» «رام کننده دیوان» «مرك رباخوار» و غیره با استادی هر چه تمامتر از نظر رآلیسم سوسیالیستی زندگانی ملت تاجیک را از اواسط قرن نوزدهم میلادی تا زمان اشتراکی کردن کشاورزی در تاجیکستان مجسم ساخته است .

در سالهای بعد از جنگ عینی نیروی خود را صرف تالیف و تدوین کتابی بنام «خاطرات» در پنج جلد کرده است که سه جلد آن طبع و نشر شده و تالیف جلد چهارم در شرف اتمام است . جلد اول و دوم این کتاب بنام بخارا بزبان روسی بچاپ رسیده و برای دریافت جایزه استالینی شایسته تشخیص داده شده است

کتاب «خاطرات» عینی را دائره المعارف زندگانی تاجیک در دوران قبل از انقلاب نام نهاده اند . کتاب «خاطرات» ساده و معمولی نوشته نشده گذشته از اهمیت و ارزش ادبی از نظر علمی و تاریخی حائز اهمیت بسیار است زیرا سنن ترقیخواهانه ادبیات روسی و مخصوصاً آثار «ماکسیم گورکی» در قوای خلاقه و ابتکار و قریحه عینی تأثیری عظیم نموده و این حسن اثر مخصوصاً در کتابهای «غلامان» و «خاطرات» به بهترین وجهی نمایان است . اصول ارمانی و هنری «گورکی» کاملاً در «خاطرات» تجسم یافته و با بیانی ساده و استفاده ای بسیط از فولکلور بتمام معنی اثری ملی گشته است .



عینی راجع بموضوعهای تاریخی و علمی نیز بسیار نوشته است که از جمله تاریخ بخارا و تاریخ انقلاب در آسیای میانه و جنگ پهلوانان افسانه ای قرن نهم برضد مهاجمین بیگانه رامیتوان نام برد

«صدرالدین عینی» در نوشتن نمایشنامه نیز دستی دارد هنگام جنگ گذشته نمایشنامه ای نوشت که موضوع آن میهن پرستی بود. مختصر اینکه این نویسنده شهیر در آثار خود پیوسته کوشش میکند افکار صریح و واضح و مثالهای رقیق بوجود آورد. الحق از عهده اینکار هم بخوبی برآمده است زیرا استادی است در کلام ماهر، زبان شناس و زبان دانی است پیشرو که با خلاقیت خود زبان ادبی کنونی تاجیک را مستغنی میسازد.

انتشار فوق العاده آثار عینی همواره توجه مطبوعات را بخود جلب کرده و روزنامه های پرآوا، ایزوستیا، لیترا تورنایا کازه تا، پراودا و استوکا او کتیا بر، نووی میر، مقالات مفصلی در باره آثار او نوشته اند. دولت شوروی هم بقدر و قیمت آثار گرانبهای عینی پی برده و عالیترین مدال اتحاد جماهیر شوروی یعنی مدال لنین را باو اعطا کرده است

علاوه بر آنچه گذشت این نویسنده دانشمند پرکار تحقیقاتی در باره فردوسی و شاهنامه، رودکی، شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، ابوعلی سینا دانشمند و فیلسوف شهیر و امیر نظام الدین علی شیر نوائی مطالعاتی نموده و مقالاتی نوشته است که قسمتی از آن بصورت کتاب در آمده است.

شورای علمی دانشگاه دولتی لنینگراد پیاس قدردانی از زحماتی که «صدرالدین عینی» در رشته ادبیات کشیده و ملت تاجیک توانسته است بسهم خود ذخائر گرانبهائی وارد گنجینه عمومی و مشترک تمدن و فرهنگ ملت های سوسیالیست بنماید عنوان دکترای افتخاری در علوم زبان شناسی را باو داده است.

اکنون «صدرالدین عینی» نویسنده شهیر است که آثارش گذشته از آنکه در تمام خاک پهناور اتحاد شوروی دارای اهمیت کامل است و بزبانهای مختلف ترجمه و طبع شده جنبه بین المللی نیز پیدا نموده و نام پر افتخارش با احترام زیاد یاد میشود.

این بود شرح مختصری از زندگانی و آثار «صدرالدین عینی» پایه گذار ادبیات شوروی تاجیکی که هنوز هم با کبر سن برای سرافرازی و سر بلندی ملت خود دست از فعالیت ادبی بر نداشته و برای تعلیم و تربیت نسل جوان با دقتی آمیخته بمحبت نویسنده گان تازه کار را تشویق و نوشتجات آنها را تصحیح و راه و روش نویسندگی را میآموزد.

## مختصری از اقداماتی که در شوروی بمناسبت

هزاره ابن سینا بعمل آمده است



از «لیترا تورنایا کازتا» مورخ ۱۹ اوت سال ۱۹۵۴

یاد دانشمند بزرگ بخارا - زحمتکشان بخارا خاطرۀ همشهری شهیر خود ابن سینا دانشمند نوع پرور و نامی خاور زمین را گرامی میدارند و تجلیل میکنند و بمناسبت هزارمین سال تولد وی کنفرانس ها و سخنرانیها و مصاحبه ها در پیرامون زندگی و فعالیت علمی ترقیخواهانه وی بعمل میآورند.

دهکده افشین زادگاه ابن سینا که نزدیک بخارا قرار دارد در این ایام غرق سرور و نشاط است.

بمناسبت هزارۀ تولد ابن سینا در مرکز ولایت پیشکوه که مدتی محل سکونت دانشمند مزبور بوده دبیرستانی بنام «ابوعلی سینا» گشایش مییابد.

«ایزوستیا» مورخ ۱۷ اوت سال ۱۹۵۴

استالین آباد - (پایتخت جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان) ۱۶ اوت (بوسیلۀ تلفون از مخبر مخصوص ایزوستیا). مردم تاجیکستان هزارۀ ابن سینا را به نیکوترین طرز بر گزار میکنند. در کتابخانه عمومی تاجیکستان نمایشگاهی از مدارک مربوط به زندگی و آثار عالم و آنسیکلوپدیست بزرگ افتتاح گردیده است که شامل سه بخش میباشد. در بخش اول کتب و تصاویر و مدارک و اسنادی که عصر ابن سینا را در نظر مجسم میکنند گرد آمده است. در بخش دیگر کتب و رسالات عده ای که در عصر ما و قبل از انقلاب در باره زندگی و فعالیت کثیر الجوانب وی نگاشته شده جمع آوری شده است. در بخش سوم کتب عمده وی از قبیل دانشنامه که بزبان مادری وی نوشته شده و همچنین کتاب «شفای» و سایر آثار دانشمند بزرگ در معرض تماشای عامه گذاشته شده است. در این بخش کتاب «قانون» که چندین بار در اروپا تجدید چاپ شده انظار عام را جلب میکند. نمایشگاههای دیگری در باره حیات و آثار ابن سینا در فرهنگستان علوم